

## بیانات معظم له در دیدار کارگزاران نظام و مدعوین خارجی کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی - 13 مرداد/ 1375

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنده هم متقابلاً این عید سعید را که ولادت نبی مکرّم و معظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین مولود مبارک امام صادق علیه الصلّٰة والسلام است، به شما حضّار محترم و به همه‌ی مسلمین عالم و آزادیخواهان و آزادگان جهان، تبریک عرض می‌کنم و به میهمانان این هفته هم که از مناطق دیگر عالم به کشور اسلامی آمده‌اند، خوشامد می‌گویم.

این ولادت بزرگ، ولادت برترین نمونه‌های رحمت الهی برای بشریت بود؛ چون وجود آن بزرگوار و ارسال این پیامبر بزرگ، رحمت حق تعالی بر بندگان بود. این ولادت، ولادت رحمت است. دنیای اسلام باید این نکته را درک کند که این رحمت، یک رحمت منقطع نیست؛ بلکه یک رحمت مستمر است. آن روز، بسیاری از افراد بشر، از روی جهالت یا به خاطر عصبیتهای خودخواهانه، با این مظهر نور و هدایت بشر جنگیدند؛ با این که پیامبر (ص) برای برداشتن بار از روی دوش بشریت، به جهان آمده بود: «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم» (55). چه بارهای سنگینی بر دوش آحاد بشر آن روز بود! چه غله‌های سنگینی بر گردن بشر افکنده شده بود! امروز هم همین‌طور است. اگر کسی ادّعا کند که بر دوش بشریت امروز، بارهایی سنگینی می‌کند که از بار دوش انسانهای جاهل جزیره‌العرب در آن روز، سنگینتر است، سخن گزافی نگفته است. این ظلمی که به آحاد بشر می‌شود، این حق‌کشی‌ای که در جوامع بشری انجام می‌گیرد، این غلبه دادن مادیت بر زندگی بشر و راندن معنویت از محیط زندگی انسانها که امروز به زور و با شیوه‌های مختلف بر آحاد بشر تحمیل می‌شود، اینها بار بر دوش بشریت است. آنچه که امروز بشریت در دوران تمدن صنعتی و زیر تشعشع مادیگری جذّاب و فریبنده احساس می‌کند، سنگینتر و سخت‌تر و - در مواردی - تلختر است از آنچه که در ظلمات جاهلیت هنگام ظهور اسلام، حس می‌کرد و بر دوش او سنگینی می‌نمود!

اگر امروز بشریت متوجه این رحمت شود - رحمت وجود اسلام، رحمت تعالیم نبوی، این سرچشمه‌ی جوشان وحدت - و آن را بیابد و خود را از آن سیراب کند، بزرگترین مشکل بشر برطرف خواهد شد. اگرچه همین امروز هم، تمدنهای موجود عالم، بلاشک از تعالیم اسلام بهره‌مند شده‌اند و بدون تردید آنچه از صفات و روشهای خوب و مفاهیم عالی در بین بشر وجود دارد، متخذ از ادیان الهی و تعالیم انبیا و وحی آسمانی است و بخش عظیمی از آن، به اسلام متعلق است؛ لیکن امروز بشر به معنویت و صفا و معارف روشن و حق و دلپذیر اسلام - که هر دل با انصافی آن معارف را می‌پذیرد و می‌فهمد - نیازمند است. لذاست که دعوت اسلامی در جهان، طرفدار پیدا کرده است و بسیاری از غیر مسلمین هم دعوت اسلامی را پذیرفته‌اند. پذیرش دعوت اسلام، به معنای پذیرش دین اسلام به طور رسمی نیست. این، یک مرحله از آن است. یک مرحله‌ی دیگر این است که مردم جهان، پیام و معارف و حقایق و پیشنهاد اسلام در یک مسأله را بپذیرند. امروز آن روزی است که وقتی ملتها در مقابل پیام اسلام قرار می‌گیرند، احساس چیزهایی می‌کنند که برای آنها مفید است و خلأهای زندگی آنها را پر می‌کند. آنچه اسلام در مورد ارزش و اهمیت و اهداف انسان بیان می‌کند، آنچه اسلام در مورد خانواده و زن و هدف علم و روابط جوامع با یکدیگر و مناسبات اجتماعی اقویا و ضعفا با هم می‌گوید، چیزهایی است که امروز مردمی که در زیر تمدنهای گوناگون زندگی می‌کنند، وقتی به اینها نگاه می‌کنند، احساس می‌نمایند که گره‌های زندگیشان با این چیزها باز و برطرف خواهد شد. لذا پیام اسلام پرجاذبه است. به همین دلیل هم است که برخورد استکبار جهانی و دستگاههای تبلیغی عالم - که به همان مراکز زورگویی و ظلم و انسان ستیزی وابسته‌اند هستند - با پیام اسلام، یک برخورد خشن بسیار خصمانه است.

از وقتی که نظام جمهوری اسلامی - که نشان دهنده‌ی تحقق اسلام در سطح زندگی یک کشور و نشان دهنده‌ی تحقق پیشنهاد سیاسی اسلام است - در عالم تحقق پیدا کرد و جمهوری اسلامی در ایران به وجود آمد، خصومت با اسلام و ارزشهای اسلامی در سطح جهان، از سوی قدرتهای ستمگر و مستکبر مضاعف شد. تا وقتی که اسلام فقط در

مساجد و در کنج دلهاست، تا وقتی که اسلام قدم در صحنه‌ی سیاست و مبارزه و حکومت و صحنه‌های عظیم بین‌المللی نگذاشته است، مراکز ظلم و طغیان جهانی، از آن احساس خطری نمی‌کنند که بخواهند با آن در بیفتند و پنجه بیندازند. از روزی که نظام اسلامی، پرچم حکومت را در این کشور بلند کرد و مسلمین از اقطار عالم، به ندای امام راحل عظیم ما رضوان الله علیه پاسخ گفتند و به سمت آن اظهار ارادت و علاقه کردند و گروه‌های زیادی در این جهت حرکت کردند و شعار احیای مجدد اسلام، برای مسلمین يك شعار روز شد، دشمنیها هم بیشتر گردید. آنچه که من در این ایام و در این هفته و به مناسبت این ولادت بزرگ می‌خواهم عرض کنم، این است که اولاً مسلمانان باید قدر این چشمه‌ی جوشان رحمت را بدانند و تبلیغ دشمن و برخورد خصومت آمیز و فتنه‌انگیزی استکبار، آنها را از این حقیقت روشن و درخشان منصرف نکند.

نکته‌ی دوم این است که استکبار از روزی که احساس کرد این حقیقت در ایران پایدار و مستقر و متمکن شده است و فهمید که نمی‌تواند آن را ریشه‌کن کند و این نهضت و حرکت و بنا را از بین ببرد، تلاش خصمانه‌ی خود را طور دیگری شروع کرد و آن این بود که مسلمین عالم را از این انقلاب و از این ملت و از این رهبری عظیم و حکیمی که دنیا به عظمت او اعتراف کرده بود، جدا کند؛ یعنی جداسازی ملت‌های دیگر از ملت ایران؛ جدا سازی زمینه‌های مستعد حیات اسلامی از این حرکت بالفعل و موجود که می‌توانست مشوق آنها شود؛ جدا کردن کشورهای عربی و غیر عربی؛ جدا کردن کشورهایی که نظامها و رژیمهای آنها، ارتباطات دوستانه‌ای با استکبار و مراکز استکباری دنیا داشتند. اینها را در برنامه‌ی جدی خود - در سطح سیاسی و دولتی و حکومتی - قرار داد و متأسفانه در این سطح، برخی از دولت‌ها کاملاً فریب و بازی خوردند و در دامی که برای آنها گسترده شده بود، افتادند.

استکبار می‌خواست دولت‌ها را با نظام جمهوری اسلامی دشمن کند. بعضی از دولت‌ها هوشیارانه فهمیدند و نگذاشتند خواست استکبار عمل شود؛ اما بعضی از دولت‌ها، بدون توجه در این دام استکباری غلتیدند. در سطوح ملت‌ها هم مسأله‌ی اختلافات فرقه‌ای و اختلافات شیعه و سنی و اختلافات عقیدتی را مطرح کردند و افراد زیادی را واداشتند که با گرفتن مزد، علیه جمهوری اسلامی یا علیه تشیع یا علیه برخی از عقاید ملت مسلمان ایران، کتاب بنویسند و کتابهای زیادی نوشته شد. عده‌ای را هم وادار کردند با زبان خود آنها، که به این کتابها و به این اشکالها و دشنامها پاسخ دهند. متأسفانه هر دو طرف در این دام افتادند. عزیزان من! امروز در دنیای اسلام، مسأله این است.

آن روحانی‌نمایی که در يك کشور دوردست، به عنوان خطبه‌ی جمعه یا غیر جمعه می‌ایستد و به جای این که به آمریکا و اسرائیل و دشمنان دنیای اسلام و کفر و استکبار حمله کند، به فرقه‌ای از فرق مسلمین حمله می‌کند؛ این کار ساده و بی‌مقدمه و بی‌ارتباط به حیات دوباره‌ی اسلام نیست. آن کسی که علناً و آشکارا، مقدّسات فرقه‌ای از فرق مسلمین را به باد اهانت می‌گیرد، این همان خواست استکبار است. امروز جدا کردن ملت‌های مسلمان از ملت ایران، یکی از هدفهای مشخص و تعریف شده‌ی استکبار است. روی این، برنامه‌ریزی و کار و سیاستگذاری می‌کنند و هم در سطح دنیا و هم - متأسفانه - داخل ایران پول خرج می‌کنند.

داخل ایران هم مواردی وجود دارد؛ چون می‌بینند در ایران برادران مسلمان شیعه و سنی، در يك صف واحد، در زیر يك پرچم واحد، با يك شعار واحد، در يك جبهه‌ی واحد، در کنار هم و با هم هستند. در جنگ تحمیلی هشت ساله، از کسانی که می‌خواستند بروند از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند. در ایران، خون‌ها درهم آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، يك اتحاد و يك الفت میان فرق و لهجه‌ها و طوایف مختلف به وجود آورد. استکبار، نمی‌تواند این را ببیند. برای هر فرقه‌ای، بهانه‌ی درست می‌کنند. ساده‌ترین و فریب‌بخورترین افراد را در هر فرقه‌ای پیدا می‌کنند و چیزی در دهانش می‌گذارند، تا برود آنچه را که او می‌خواهد، برایشان تکرار کند! همه باید مراقب باشند. هر کسی که امروز به این هدف استکبار کمک کند - یعنی ملت ایران را از ملت‌ها و کشورهای دیگر جدا کند - در نزد خدای متعال، حکم همان دشمنان اسلام و مسلمین را دارد که با اسلام جنگیدند؛ چه امروز و چه در زمان پیامبر. «کان حقیقاً علی الله ان یدخله مدخله» (56) هر کس که امروز به هدفهای استکبار در قبال ایران اسلامی کمک کند، مثل همان کسی است که در زمان ظهور و نزول اسلام، با آیات الهی جنگید.

امروز این حرکت، حرکتی به سمت احیای اسلام و زنده کردن احکام منزوی شده‌ی اسلام و قرآن است. این حرکت، حرکت عظیمی است که در این جا اتفاق افتاده است. مسلمانان در همه جا می‌خواهند این حرکت را انجام دهند. اگر به کشورهای اسلام در شرق و غرب دنیای اسلام نگاه کنید، این واقعیت را مشاهده می‌کنید؛ منتها استکبار جهانی، امریکا، کمپانیهای گوناگون و صاحبان زر و زور مانع هستند. آن جایی که تسلیم زر و زور نشده است و نمی‌شود؛ آن جایی که همه‌ی قدرت ملی در مقابل استکبار قرار گرفته است، ایران اسلامی است.

این هفته‌ی وحدت، این هفته‌ی مشترک الاحترام بین مسلمین را قدر بدانید. همه سعی کنند وحدت و اتحاد نیروها و در یک جبهه قرار گرفتن نیروهای مسلمین را - که رمز سعادت و مایه‌ی سربلندی مسلمین و بزرگترین حربه‌ی ملتها در مقابل استکبار جهانی است - مغتنم بشمارند و قدر بدانند.

امیدواریم که ان شاءالله ادعیه‌ی زاکیه حضرت بقیةالله ارواحنا فداه شامل حال حرکت کنندگان در این راه باشد و همه‌ی مسلمین در اقطار عالم، توفیق پیدا کنند به آیات شریفه‌ی قرآن و دستور اعتصام به حبل‌الله جمیعاً عمل کنند و ان شاءالله وحدتی را که مورد آرزوی شخصیت‌های بزرگ اسلامی از اول تا امروز بوده است، جامه‌ی عمل بپوشانند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

(55) اعراف: 157

(56) بحارالانوار، ج 44، ص 382